

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۱۷ می ۲۰۱۶

دست ناسیونالیست ها و باندهای مذهبی از به انقیاد کشیدن اعتراض مردمی کوتاه

کابل یک بار دیگر از طنین رگبار فریاد اعتراض انسانهایی که به بلندای عمر حاکمیت نمایندگان طبقات حاکم جامعه، ستم دیده اند، مورد تبعیض واقع شده و تحقیر شده اند، ولی نپذیرفته اند که حقیر اند، به لرزه در می آید. تصور تقابل با جنبش اعتراضی توده های میلیونی که از حق مسلم شهروندی باشندگان مناطق مرکزی در بهره برداری از انرژی برق به دفاع برخاسته اند، آرامش از کاخ نشینان مستبد و حامیان قلدور آنها، که حتا در خارج از مرز های افغانستان صدای اعتراض را به صورت فزینی می خواهند خفه نمایند، ربوده است.

فقر، خشونت، تبعیض و فساد گسترده در بدنه نظام فاسد بورژوائی، که همواره با پدیده های ناسیونالیسم و مذهب توجیه می گردند، به شدت فاصله طبقاتی در جامعه را افزایش داده است و فروستان اعتراض و عدم تمکین شان به وضعیت موجود را به شکل اعتراض های خیابانی به نمایش می گذارند. این اولین بار نیست که فریاد اعتراضات مردمی، دیوارهای قدرت حاکمان را به لرزه در آورده است. این اعتراضات نمایی از عظمت قدرت توده های به پا خاسته است. اما اولین مسأله ای که باید به آن توجه داشت تعیین اهداف این حرکت های اعتراضی و نیروهائی است که این اعتراضات را از هر نظری هدایت می کنند. طبیعی است جریانهایی که در رأس این حرکت های اعتراضی قرار می گیرند نقش تعیین کننده ای را در جهتگیری و سمت و سو بخشیدن آن بازی کرده و اهداف و مطالبات آن را فورموله، دامنه گسترش و نضجش را تعیین می کنند. در این حرکتها و اعتراضهای اجتماعی، نیروها و جریان های متنوعی دخالت داشته و نقش اداء می کنند. نیروها و جریانهایی که هر کدام بسته به مکان و خاستگاه های اجتماعی - طبقاتی شان به نوعی منافع خودشان را دنبال می نمایند.

آنگونه که در اعتراض به زجرگشی فرخنده، سر بریدن شکریه ۹ ساله و سنگسار رخشانه به دست عقب افتاده ترین و جنایتکارترین باندهای مذهبی از جمله طالبان که از حمایت غیر مستقیم دولت وحدت ملی "نیز برخوردارند، شاهد بودیم که چگونه با تغییر جهت اعتراضها و محدود کردن آن با در افتادن با معلول، احساسات مردم فروکش کرده و این جنبشها خلاف آنچه که انتظار می رفت به خاموشی گرائیدند. اعتراض به حق کنونی که در برگزیده بخش وسیعی از نیروهای اجتماعی است و با سیاست های تبعیض آمیز اعمال شده که ره آوردی جز فقر، ادبار، خشونت و جهل و جنگ و ارتجاع نداشته است، مخالف اند و هدف شان چیزی جز دست یافتن به یک حق مسلم و طبیعی و در نهایت رهایی و

خلاصی از این وضعیت اسفبار نیست؛ وضعیت اسفبار و بربریتی که حاصل جدال دو صف ارتجاعی و حامیان بین المللی شان در طی بیشتر از سه دهه می باشد .

اما همین حق و مطالبه به حق، توسط ارتجاع موج سوار و فرصت طلب و معامله گری که خود بخشی از قدرت حاکمه را می سازد و تبارگرایانی که از دایره قدرت و مناصب موجود به گونه ای رانده شده اند، تبدیل به یک جنجال و تنش و انقطاب میان شهروندان و اکثریت مردم زحمتکش می شود؛ این دسته همان نیروهائی اند که طی پانزده سال اخیر در اشکال گوناگون سهم خواهی کرده و همچنان سهم خواهی می کنند . کسانی که هم شریک حاکمیت اند و هم "اپوزیسیون" آن.

با تأسف سرنوشت اعتراضاتی که صرفاً برای اصلاح طلبی بدون پشتوانه مادی و سازمانیابی طبقات محروم، به راه می افتند، نمی تواند غیر از این باشد که در اعتراضات سال پار نیز شاهد آن بودیم . اعتراضات و جنبش های اجتماعی زمانی به ثمر می نشینند که هدف آنها دگرگونی وضع موجود باشد، نه صرفاً اصلاح آن . برای موفقیت اعتراض ها، علیه تغییر مسیر پروژه "توتاپ"، صرفاً حقانیت آن کافی نیست . برای آن که این اعتراضات بتواند دولت به رهبری "غنی" و "عبدالله" را مجبور به رفع تبعیض و بر خورد عظمت طلبانه ناسیونالیستی نماید، بایست مرزهایش را با نیروهای سیاهی که خود جزئی از بدنه حاکمیت هستند و تصادفاً منافع شخصی آنها در این مقطع در جهت منافع معترضان قرار گرفته است، روشن ترسیم کند و این خواست و مطالبه را همگانی سازد و همبستگی و حمایت تمام آحاد زحمتکش از این خواست را تأمین نماید .

آغاز حرکت معترضان از "مصلی مزاری"، و قرار دادن تصویر "عبدالعلی مزاری" در عقب سخنگویان این جنبش، می تواند دلیل جدی برای در حاشیه راندن هدف اصلی و به حق این اعتراض گردد . زیرا هیچ جنبشی نمی تواند جدا از رهبری آن جنبش قابل بررسی باشد . محقق، خلیلی، اکبری و دانش مهره های سوخته ای اند که می خواهند بر موج این جنبش به حق سوار گردند . آنها با استفاده از این فرصت می خواهند حیثیت شان را احیا کنند . هنوز پژواک نعره های محقق که معترضان به قتل "شکریه تبسم" را ولگردان بی همه چیز خطاب می کرد، از خاطره مردم زدوده نشده است . سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان، بر این باور است که تحقق برابری میان انسانها مستلزم برابری اقتصادی آنهاست . برابری اقتصادی با لغو مالکیت خصوصی و کارمزدی می تواند ممکن گردد . مع الوصف تا پیروزی انقلاب سوسیالیستی، از همه جنبش هائی که امکانات زندگی بهتر و انسانی تر را فراهم نماید، پشتیبانی می نماید .
زنده باد سوسیالیسم!

شورای مرکزی سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۱۵ می ۲۰۱۶؛ ۲۶ ثور ۱۳۹۵